

عن العلو وعلو عاد وبن ارم سلم لقرون صفت بركت
مریات را و غیرت غایبایات است و برهان متعلق
بمقرن می خیزد جمله ایست و غیرت غایبایات است
بجز فعل است فاعل و ضمه و غیرت غایبایات است
العا و متعلق بجزعادان آخرت است و من عا و عطف
معا و عا نام جنس قوم بود و لیسلم بود و ارم نام سر
ست و ارم عا و بنا کرده بود و وزن من لغز است ایات
چنان آیات است که بگویند نیرمانی است حال آنکه آیات
جنس برده مال از لغز آخرت و از آن که هر گز نماند
بود و غیرت آیات جنس برده از او را که آن بجز
و امت له دنیا ففقت لیل بخره پس بپایان او و جمل
فعل است فاعل و غیرت غایبایات لیدی از طرف
و این جمله صفت بركت مرآت است که فاعله صفت است و فاعل
فعل فاعل و غیرت غایبایات و کل لغز مفعول او و
امر خار و قادت را گویند که ظاهر بود در کتاب این

باند

باند من است و بن متعلق ب بقد و صفت بخره او بر ایست
جآت من و فاعل غیرت غایبایات و لم اتم عطف است بربا
المعنه همیشه است آیات نرو ما ب حقا اعدان آیات
بخره را که صادر شده از بندان دیگر زیرا که این بجز آیات
طافت در میان بندان آیات نیست بوده و همیشه خواهد بود
همچنانست فاعل غیرت غایبایات لیدی فاعل و لا تفرق
بجکات صفت بركت مرآت را با غیرت غایبایات
ای هر یک است و در غیر نسخ و محکات او واقع شده و بنا
نقد برش است و صفت است بخره صفت بخره و حکام
استوار کرد بندان و حکم است مفعول بخره که او این
فا از بر است بخره بخره صفت مفعول غایبایات
از اربع یعنی مانی که است و فاعل غیرت غایبایات و مرآت
بخره مفعول بخره جمع است که در متعلق است بخره فاعل
بخره مفعول است و لا یبنا من عطف است بخره و لا از بندان
او را که بخره بخره است و مرآت بخره که او این